

در ماه گذشته

۲۰ نفر در ایران اعدام

شدند، سیل در شمال ویرانی

ببار آورد و زلزله تهران

و سمنان را لرزاند....

# بیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۸۳ کانون خردمداری ایرانیان  
سال پانزدهم - شهریور ماه ۲۵۷۴ ایرانی - برابر با  
۱۳۹۴ سالی که از حمله‌ی اعراب به ایران می‌گذرد

در ماه گذشته

زیر چشم خداوند مهربان

داعش پیروزمندانه

سرها برید و انتحاری‌ها

کرد و همچنان پیش می‌رود

با اجازه شما، به خاطر بخش راحت‌تر «بیداری» در فروشگاهها، داروخانه‌ها، مطب پزشکان، دفاتر و سایر مکانهای عمومی، از این پس نوشته‌های تُند و تیز صفحه نخست را به درون صفحات می‌بریم تا بخش کنندگان ایران دوست و گرامی را به زحمت نیندازیم، هرچند که از جذابیت روی جلد کاسته می‌شود.

دکتر م. ع. مهر آسا

## پاسخی به یک آدم شیفته‌ی موهومات! (۳)

ادامه از شماره‌ی پیش

چنانچه در دو شماره پیش اشاره شد، آقای به‌نام مستعار (پ-ع) کتابی برای بیداری ای-میل کرده که نامش «معجزات علمی قرآن است...» البته حضرتش نویسنده‌ی کتاب نیست بل نویسنده یک فرد عرب به‌نام «هارون یحیی» بوده و فردی به‌نام «دکتر محمد فرید آسمند» آن را ترجمه کرده است. آقای (پ-ع) زحمت فراوانی متحمل شده کتاب را به چاپخانه سپرده تا از رویش چاپ کنند. اما با گذشت دو سال نه شهرتی پیدا کرده و نه فروشی داشته است. لذا بر آن شده تا از طریق اینترنت به دید و شنود ما برساند. اجرش پایدار و مستدام!!

آقای (پ-ع) در آغاز کتابش از مقدمه‌ای که در دو شماره پیش تبیین و تفسیر شد، از گسترش کاینات سخن می‌گوید و عقیده دارد که:

«طبق نظر جدید دانشمندان، کاینات مرتب به مقدارش افزوده می‌شود و بزرگتر می‌گردد و به این ترتیب سخن مادی‌گراها که می‌گفتند کاینات ثابت است و به این وسیله خدا را نفی می‌کردند غلط از کار درآمده است...»

بعد آیه ۳۰ از سوره انبیا را برای تأیید و اثبات سخنش

نوشته جالبی از:

## موريس مترلينگ (۲)

به باور من اگر خداوند به مفهوم واقعی خود موجود باشد دیگر مسأله‌ی آزمایش کردن از بندگان برای او مطرح نیست، علت آنست که خداوند به حدود آزادی بندگانش مطلع است و میداند که چه مقدار عقل جهت استفاده از این آزادی مورد احتیاج آنها می‌باشد و نتیجه این می‌شود که خداوند در آغاز هر امری از پایان باخبر است. آیا خداوندی که از نتیجه هر عمل خوب یا بد آگاهی دارد و پاداش آن را نیز قبلاً تعیین کرده است می‌تواند بندگان را که با اراده خودش خلق کرده مجازات کند و کیفر دهد؟ ما همچون فرشتگان معصومی اسیر سرپنجه خداوند قهاری هستیم و اصرار داریم او را نشناسیم. این است تراژدی بی‌پایان بشر، تراژدی کنجکاو و جستجوی ابدی او.

البته اگر خدایی باشد حق دارد هر عملی که بخواهد بکند. ولی این حق نباید شامل مجازات مخلوقات خودش باشد، زیرا مخلوقات همان طور که خودش خواسته مرتکب گناه شده‌اند. در حقیقت اگر بپذیریم که خداوند آفریده خود را مجازات می‌کند مثل این است که خداوند با اینکار می‌خواهد اشتباهات خود را اصلاح کند.

ناتوانی مذاهب در تفسیر اوضاع عالم وجود مانده در رویه‌ی ۳

می آورد و البته با ترجمه غلط آیت الله مکارم شیرازی که او هم سعی کرده است نظریه جدید بینگ بنگ را به قرآن گره بزند. آیه چنین است:

«أولم یزالذین کفروا أنّ السماوات والأرض کانتا رتقاً ففتقناهما وجعلنا من المای کُلَّ شیءٍ حیّ افلاً یؤمنون» معنی:

«آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود و ما آنها را باز کردیم و از آب هر چیز را زنده گردانیدیم پس چرا ایمان نمی آورند؟»

اما آقای مکارم اینگونه معنی کرده است:

«آیا کافران ندیدند که آسمان و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم. و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی آورند؟»

نخست اینکه کافران چگونه ببینند؟ مگر این واقعه دروغین در همان زمان محمد اتفاق افتاده بود که کافران آن را ببینند؟ پس این سخنی به غایت مهمل است از سوی خدای ساخته ی ذهن معیوب محمد.

دوم آن که محمد در چند آیه قرآن به عنوان مثال آیه ۲۹ از سوره بقره می گوید: او خدائست که همه موجودات زمین را خلق کرد. پس از آن به آسمان پرداخت و هفت آسمان را برفراز یکدیگر برافراشت. او به هر چیز دانا است» یعنی الله نخست زمین و هر چه در آن وجود دارد را ساخت و آنگاه میلش به ساختن آسمانها کشید و پس از زمین آسمانهای هفت طبقه و عرش الله نیز ساخته شد! پس چگونه زمین و آسمان به هم پیوسته بودند؟ این غیر خدعه و دروغ چیزی نیست و نشان یک مغز معیوب دیوانه است که هر لحظه چیزی در آن نمود می کند.

سوم اینکه یک نوع جنون روشن در مغز محمد بوده که اجسام و جاهای لاجود و عجیب مثل همین آیه و وجود جهنم و بهشت با آن وضع و معیار را تصویر کرده است که این توهمها موجودیت دارد و دیگران نیز باید دیده باشند و دیده اند. به این علت می گوید: مگر ندیدند؟ چرا و چگونه ببینند؟ وقتی شما این سخن را نوشتید، میلیاردها سال از ساختن زمین گذشته بود. آنکه کاینات مرتب گسترش می یابد حرف درستی است اما دلیلش حرکت کهکشانه و دور شدن از همدیگر یا نزدیک شدن به هم است و نه درست شدن چیزهای جدید. ممکن است یک ستاره منفجر شود و قطعاتش در فضا بگردند و گاهی به زمین ما نیز اصابت کنند. این چیزی است که خیلی سال است علم نجوم به آن پی برده است.

منجمین در رصدخانه هرچند مدت یک سیاره و یا ستاره جدید کشف می کنند و کشف آن را به اطلاع عمومی می رسانند و عمرش را نیز میلیاردها سال تخمین می زنند. نویسنده کتاب نوشته اند که دلیلش عظمت و حساسیت دوربینهای نجومی جدید است که این بخش درست است. می فرماید:

«تا اواسط قرن بیستم چنین تصور می شد که جهان به صورت نامحدود بوده و همیشه وجود داشته و تا ابد نیز وجود خواهد

داشت. مطابق این نظریه کاینات ثابت بوده؛ اول و آخر ندارد. این نظریه که جهان را برپایه مجموعه ای از مواد ثابت و غیرقابل تغییر می دانست، موجب پدیدار شدن فلسفه ماده گرایی (ماتریالیسم) گردید که در نتیجه وجود خالق را انکار می کرد. در حالی که علم قرن بیستم فرضیه کاینات ثابت را رد کرد»

این یک دروغ آشکار است که علم کاینات ثابت را رد کرده است. چنین چیزی نیست و مقدار ماده در جهان ثابت است. نخست اینکه فرضیه «بینگ بنگ» یک فرضیه است و به اثبات نرسیده. به فرض درست بودن نیز چه ربطی به الله و خالق موهوم شما دارد؟

دوم اینکه فضای کائنات که این همه کهکشان و ستاره و سیاره و ثوابت در آن وجود دارد، ابتدا و انتهای ندارد و لایتناهی است. این را اینشتن بارها گفته است که: «دو چیز انتها ندارد. یکی کاینات است و دیگری حماقت آدمها که من در اولی مشکوکم» یعنی حماقت آدمها از کاینات بیشتر درازا و پهنا دارد.

آری مواد موجود در کاینات ثابت است و غیرقابل تغییر؛ اما ممکن است در زمانی سیاره و یا ستاره ای منفجر شود که تکه های آن جذب کرات دیگر می گردد و مقداری انرژی نیز در فضا پخش می کند که وزن کل آنها برابر وزن همان ستاره یا کره است. و یا کراتی هستند که هنوز دوربینهای نجومی کنونی نتوانسته اند مکانشان را بیابند. و یا ممکن است خورشیدهایی وجود داشته باشند که به علت دوری فوق العاده شان از ما و زمین هنوز نورشان به کره ی زمین نرسیده و در راه است تا زمانی برسد و منجمین آنها را رصد کنند. اگر کاینات به قول شما ثابت نیست به این دلیل است که فضای کاینات ابتدا و انتها ندارد و کهکشانها در حال حرکتند و از هم دور و یا به هم نزدیک می شوند. وقتی ثابت شده است میلیونها کهکشان وجود دارد که هرکدام شامل میلیاردها ستاره و سیاره و خورشید است، چنین عظمتی را کدام خدا درست کرد که بتواند بر آن محیط باشد؟ چرا این خدایی که همچین دستاوردی دارد خود را نشان ما آدمهای خردمند نمی دهد و همچنان در نهانخانه مغز احمقها پنهان است؟ این است تغییر کاینات است! عدم ثبوتش به دلیل حرکت آنهاست نه اضافه شدن به آنها توسط خدای موهوم جنابعالی! کاینات چنان عظیم است که ممکن است هنوز در بعضی فضاها عناصر به صورت پودر باشند و در زمانی کره و یا سیاره جدیدی به وجود آید که ربطی به هیچ گونه خالقی ندارد.

به علاوه مگر بارها در قرآن سوره و آیه نیامده و نوشته نشده است که: «... ما آسمان را بی ستون نگه داشته ایم؟» یعنی الله محمد این فضای آبی رنگ را سقفی تصور و مجسم کرده است که بدون ستون ایستاده است. آن وقت شما، کاینات موجود و علمی را که کشف دانشمندان منجم و ستاره شناس است، می خواهید به زور در این کتاب وارد کنید و به دنبال معجزه علمی در این نوشتار سراسر موهومات می گردید؟ این بحث ادامه دارد

مانده از رویه‌ی نخست

بشر را بیشتر دچار حیرت کرده است، ما پیش خودمان خیال می‌کنیم که چیزی می‌فهمیم در حالی که واقعاً از هیچ چیزی با اطلاع نیستیم ولی این دام نادانی نباید ما را اسیر یأس و ناامیدی کند زیرا غنچه‌های امید جاهلان هنگامی میشکند که از جهالت خود و یأس و ناامیدی ما با خبر شوند.

آنها که به نظر من هرگز به دنیا نیامده‌اند همواره وجود داشته و دارند، آری همه چیز از ازل تا ابد وجود داشته و خواهد داشت. بت پرستان، بت های خود را از آن لحاظ پرستش می‌نمایند که آرزوهایشان از حدود استغاثه بدرگاه چنین چوبهای خشکی تجاوز نمی‌کند و زبان آنها به منزله‌ی زبان همان بت است متدینین عقیده دارند کسانی که منکر وجود خدایند چشم و گوش بسته اسیر چنگال جهل و غرور خود می‌باشند در حالی که چنین نیست و منکرین خدا نمی‌توانند به خدایی که مذاهب معرفی می‌کنند ایمان بیاورند و همواره در جستجوی خدای واقعی هستند. دینداران می‌گویند چون ما به خدا ایمان داریم پس از همه اسراری که وسیله او بروز می‌کند باخبریم. بعقیده شما بین آنکس که چنین عقیده‌ای دارد و کسی که منکر خدای اوست کدامیک اسیر غرور و جهل خود می‌باشد. وقتی هدف آدمی فهمیدن نباشد (فکر کند همه چیز را می‌داند) از حیوان هم پست تر است. ادامه دارد.

### پرسش نوجوان ۱۴ ساله از ایران

آیا مسلمانها انسانهای بدی هستند که اسلام به چنین روزی افتاده است یا عیب در خود اسلام است که مسلمانها به چنین روزگاری گرفتار شده‌اند و همه شان در عقب ماندگی و مهاجرت از خاک و زندگی طبیعی غوطه ورنند؟

اگر مسلمانها انسانهای بدی هستند و اسلام به ذات خود ندارد عیبی، چرا این دین نتوانست مسلمانها را تربیت و عوض کند؟ اگر اسلام معدن بدی ها و کسری ها و بدبختی هاست، چرا مسلمانها خود را از دست اسلام نجات نمی دهند؟ و خود را به آتش این دین انداخته‌اند؟

چرا هرجا مسلمانی رواج است - رواج دزدی و گشتار و باج است؟ قاسم مدنی - تهران

بیشتر مردمانی که ۱۵ می خوردند زنده می‌مانند،

و بیشتر کسانی که دعا می‌خوانند می‌میرند.

دکتر فرهنگ هلاکوبی

### پدر احمقی که ترجیح داد دخترش غرق شود

#### ولی «نامحرم» نجاتش ندهد

دو بچه وله - پدر مسلمانی اجازه نداد دختر نازنین ۲۰ ساله اش را که در ساحل دویی در حال غرق شدن بود نجات دهند. او به پلیس گفته است که نمی‌خواسته دست مرد «نامحرم» به بدن دخترش بخورد. زمانی که دو نجات غریق برای کمک به دختر به سوی دریا می‌دوند پدر که بسیار هم قوی هیکل بوده جلوی آنها را می‌گیرد و مانع کار آنها می‌شود و دختر جانش را از دست می‌دهد. این مرد مسلمان همسر و فرزندانش را برای پیک نیک به ساحل دریا برده و بچه‌هایش به شنا پرداخته بودند.

#### رویدادی دیگر

در پاراگوئه‌ی مسیحی پس از حامله شدن دختر یازده ساله‌ای که توسط ناپدری اش به او تجاوز جنسی شده بود مسئولین مسیحی شهر به او اجازه سقط جنین ندادند و با سزارین نوزاد بدنیا آمد مادر بزرگ این دختر یازده ساله به خبرنگاران گفت نوه‌ام ده سالش بود که توسط ناپدری مورد تجاوز قرار گرفت و حامله شد و اکنون هم بجز من کسی را ندارد. آن مسلمان که دخترش را به کشتن داد و این هم مسیحی که از دختر ۱۰ ساله نیز نگذاشته.

پرسش این است:

بیمارها مذهبی می‌شوند یا مذهبی‌ها بیمار هستند؟

جلد چهارم «خردنامه بیداری» در تیراژی کم از زیر

چاپ بیرون آمد. اگر سه شماره پیشین را دارید، تا

تمام نشده سفارش جلد چهارم را بدهید که امکان

تجدید چاپ نیست. ۰۰۱۳ - ۳۲۰ (۸۵۸)

ترس بیهوده

از خدا

گردن آخوندها را

کلفت تر می‌کند

نوشته‌های صفحه‌ی نخست که به درون آورده شد

خدای شما خرد شماست. حکیم ابوالقاسم فردوسی

آیا تاکنون از خود

پرسیده‌اید پیش از

موسی و عیسی و محمد،

خدا کجا بود؟

## در اسلام مردها «تخم دوزرده» کرده‌اند

سفارش اکید الله به محمد بن عبدالله در ته غار حرا این است «حق مسلم مرد مسلمان است داشتن، چهار زن عقدی - چهل زن صیغه‌ای - حق یکطرفه طلاق - حق حضانت بچه‌ها - حق جلوگیری از بیرون رفتن زن از خانه و شهر - حق کتک زدن زن به هنگام مخالفت او از رفتن زوری به رختخواب - حق انتخاب لباس و غذا و محل زندگی برای زن و... و... که دلیل اش را هم علی ابن ابیطالب در خطبه‌ی هشتاد نهج البلاغه گفته «زنها ناقص العقل اند» و... و...»

اینک این معما را حل کنید

## اسلام به زن‌ها چه داده است

## که تسلیم این همه توهین و کوچک شماری شده‌اند؟

اگر بهشت و جهنمی هم باشد، حتی یک مسلمان به بهشت نخواهد رفت. چون قاعدتاً بهشت جای زن آزاران، دروغگویان و فریبکاران نیست.

چاپ دوم کتاب «بررسی و تأملی در کتابهای مشهور به آسمانی - قرآن» به قلم دکتر محمد علی مهر آساکه تمام شده بود منتشر گردید. برای دریافت آن با شرکت کتاب: ۷۴۷۷-۴۷۷ (۳۱۰) تماس بگیرید.

از آخوندها ایراد نگیرید، از پدر و مادر بچه‌ها ایراد بگیرید  
که بچه‌هایشان را می‌برند پای منبر آخوندها.

## تفسیر «داستایوفسکی» از آزادی

تفسیر آزادی را از «داستایوفسکی» برای آن می‌آوریم که حضرت استادی! یکی از ناموران یاد شده در نوشته انتقادی شماره پیش بیداری با تیتراژ «حدیث خوب و بد ما نوشته خواهد شد» پس از دیدن نام خود در میان جفاکاران، فرموده است به‌نویسنده بگویند پسر جان هرکسی را بهر کاری ساختند! به‌ایشان می‌گوییم پدر جان کارهای شما بیشتر شبیه کار ملایان است که خود را «عالم» می‌خوانند، شما به‌هنگام غرق کشتی ایران، «عالم بی عمل» و قصه‌گوی خاطرات شیرین خود هستید و در بلند کردن سقف آزادی ایران هیچ سهمی ندارید، بزرگترین خدمت شما برداشتن دست از سر رادیو، تلویزیونها، و نشریه هاست تا ملت خودش راه خود را بیابد. و اما تفسیر جناب داستایوفسکی را برای همه آن جفاکاران تکرار می‌کنیم. «همه ملت‌ها سقف آزادی ویژه خود را دارند. سقف آزادی برای هر ملتی رابط مستقیم با قامت فکری مردمان آن ملت دارد و با همت بلند مردمان است که این سقف بلند و بلندتر می‌شود. وقتی سقف آزادی کوتاه باشد (جفاکاران که خود را کنار بکشند) آدمهای بزرگ سرشان آنقدر به سقف می‌خورد که حذف می‌شوند. و در سقف کوتاه، آدمهای کوتوله راحت جولان می‌دهند.

بعضی از آدمهای بزرگ هم برای تنازع بقا آنقدر سرشان را خم می‌کنند که کوتوله می‌شوند! آن هنگام سقف‌ها مرتب پایین و پایین‌تر می‌آید و مردم بیشتر و بیشتر قوز می‌کنند تا اینکه تا کمر خم می‌شوند و دیگر نمی‌توانند قد راست کنند. و آزادی‌ها می‌شود آزادی یواشکی، زندگی‌ها می‌شود زندگی جهنمی» و جفاکاران می‌شوند تعزیه‌گردان میدان و سرگرم‌کننده مردم» یک تن هم از دوستان نزدیک گله می‌کرد که چرا نام مرا در بین تلاشگران و جان‌برکفان ننوشته‌اید، همان‌طور که در همان بخش توضیح داده بودیم این گروه خیلی بیشتر از اینها هستند که نامشان آمده و بیشتر از یک صفحه بیداری برای آن مطلب جا نداشتیم و تردید نکنید نام جفاکاران هم خیلی بیشتر از آن است که نامشان آمده بود. کمبود جا در بیداری باعث بیشتر کوتاه نویسی‌ها شده است.

چینی‌ها باور دارند جهان روی شاخ‌گاو می‌چرخد، مسلمانها عقیده دارند جهان روی بیضه مرد می‌چرخد!  
استاید و طلاب «حوزوی» بیشتر عمر خود را در دروس «بیضوی» صرف می‌کنند!

از سایت GBG برگردان محمد خوارزمی

## آیا مذهب شایسته احترام است؟

به من خداناشناس اغلب گفته می‌شود که باید به معتقدات دیگر مردم احترام بگذارم. در حالیکه آنها احترامی به باور من نمی‌گذارند. مذهب‌یون به من می‌گویند، انتقادی به باورشان نکنم و آنرا بزیر سؤال نبرم و اغلب در تمام این احوال مرتباً و مداوماً می‌کوشند تا با تلقین به من بقبولانند تا به ابرقدرت آسمانی آنها پیوندم.

پس آیا آزاداندیشان باید به مذاهب احترام بگذارند؟ اگر خود در آن ادیان ایرادها ببینند جواب نه است. نادیده گرفتن مذهب آسان می‌بود، اگر عبارت بود از ایمان به چیزی که وجود ندارد. ولی به همراه مذهب جز ایمان چیزهای دیگری هم وجود دارد و اعمالی هم با آن همراه است. مذهب سبب می‌شود که متدینین دست به اعمالی بزنند و این اعمال نباید مورد احترام قرار گیرد و نه باید تحملشان کرد.

اجازه بدهید مثالی بزنم تا بیشتر به آن توجه کرده باشیم. اگر من بگویم جن و پری نامرئی در انتهای آن باغ وجود دارد و آنها آرزوهای مرا بر آورده می‌کنند، آیا به این باور باید احترام گذاشت؟ البته نه. این واقعیت ندارد. ولی این یک داستان جن و پری است بدون آزار و زیان که می‌تواند نادیده گرفته شود. ولی اگر بگویم در انتهای باغ جن و پری‌های نامرئی وجود دارند و آنها به من می‌گویند تا بچه‌هایم را ختنه کنم، با زخم مثل یک حیوان رفتار کنم، مانع خون دادن من به یک بیمار شود تا جانی را نجات دهم، بمب کار بگذارم، سر مردم را ببرم، در روزهای معینی کار نکنم، آیا این ایمان باید مورد احترام قرار بگیرد. حتماً نه.

اگر به اسلام باور داشته باشیم دو و نیم میلیارد مسیحی باید به جهنم بروند! اگر به مسیحیت ایمان داشته باشیم یک و نیم میلیارد مسلمان باید به جهنم بروند. اما اگر به هیچکدام باور نداشته باشیم هیچ کسی به جهنم نمی‌رود. د - مَهری

مذهب یعنی پول - سیاست یعنی پول

## سخنی کوتاه با کارگر نازنین ایرانی

نادر اکبری - اسپانیا

آگوست ۲۰۱۵

## هنرهای اسلام!

مساله و خطری نمی بود اگر مسلمانان در همان محیط اسلامی کشورهای خود می ماندند و کمر به مهاجرت به دنیای متمدن نمی بستند. بی تردید چه بخواهیم یا نخواهیم این لجنزار فرهنگی که جهان اسلام در آن غوطه ور است، تأثیر مخربی در اجتماع متمدن غرب خواهد گذاشت. برای نمونه هر روز می شنویم شماری از نوجوانان اروپایی و آمریکایی به گروه های تروریستی اسلامی مانند داعش می پیوندند. این جوانان بیشترشان همه در غرب از والدین مسلمان «میانه رو» چشم به جهان گشوده اند. این پدر و مادرها به بچه های خود می قبولانند که مسلمان زاده هستند و آنها را مسلمان بار می آورند.

مسلمان «میانه رو» بسیار خطرناکتر از مسلمان راستین یا «تندرو» می باشد، به این دلیل که تکلیف همه با «تندروها» روشن است و این «میانه روها» هستند که هم خودشان را فریب می دهند هم دیگران را. این مسلمانان «میانه رو» هستند که کارخانه مسلمان سازی راه انداخته اند و سربازان آینده «قشون اسلام» را پرورش می دهند.

هم چنین اعلامیه جهانی حقوق بشر که آزادی مذهب و انجام فرایض دینی را تضمین می کند، نمی تواند شامل دین اسلام شود، چون یک جامعه متمدن نمی تواند مهر تأیید بر دست و پا بردن و چشم در آوردن و شلاق زدن و سنگسار کردن بگذارد و آزادی اینگونه اعمال را تضمین کند.

تا زمانی که پای اسلام و مسلمانی در میان است و مسلمانان به خود پروا می دهند در زندگی دیگران بنام نهبی از منکر و امر به معروف دخالت کنند و قوانین شرعی را بر قوانین مدنی برتری دهند، از اجتماع چند فرهنگی که روشنفکرها و فهمیده ها طرفدار آن هستند خبری نخواهد بود، جالب است هر زمان و در هر مکانی که مسلمانها نیرومند شوند و دست بالا داشته باشند همان «روشنفکرها و فهمیده ها» نخستین قربانیان این جماعت خواهند بود.

در میان بیش از چهل پنجاه نفر از کارگران چاپخانه ای که نشریه بیداری در آنجا چاپ می شود خوشبختانه یکی دو تن ایرانی هستند. خیلی زحمتکش و درستکار و یکی از آنها از نوشته های بیداری خوشش نمی آید و گویا به چاپ آن در آن چاپخانه اعتراضی هم داشته است. این سخن کوتاه نه تنها برای این هم میهن گرمی است که جلوتر از همه بیداری را در چاپخانه می خواند بلکه برای همه آن کسانی است که از نوشته های بیداری خوششان نمی آید و از روی تعصب آزرده می شوند. هم میهن ارجمند، من و تو هر دو مسلمان زاده هستیم، تنها فرق ما در این است که من سرنوشت شما و خود شما را که احتمالاً نامت «حسین» است خیلی خیلی بیشتر از حسینی که در کربلا بدست نزدیکترین فامیلش گشته شد دوست دارم من خدمت به تو حسین ایرانی را بر حسینی که به همراه برادرش تا مازندران آمدند و ایرانی ها را به تعداد زیاد کشتند ترجیح می دهم، من حاضرم برای سرفرازی تو و فرزندان جان خود را هم بدهم اما برای حسین های عرب حاضر نیستم قطره اشکی بریزم. و بدبختانه شما و امثال شما به دلیل نخواندن تاریخ، «حسین» عرب و ایل تبارش را بیشتر از من و حسین های ایرانی مانند احمد کسروی، بابک خرمدین دوست داری و عاشقشان هستی، همین و همین و الا ما اختلاف دیگری با هم نداریم شما دشمن پرست شده ای و من همه مردم جهان را دوست دارم و هم میهنانم را هم طبیعی است بیشتر دوست دارم.

شما به دلیل نخواندن تاریخ نمی دانی و نمی توانی مجسم کنی اگر اسلام به ایران نیامده بود امروز روزگار ملت ایران و روزگار شما چقدر فرق می کرد. ایران ما امروز به چنان وضعی افتاده است که خود شما ناچار به کوچ از زادگاهت شده تا خانواده ات را از دست سایر مسلمانان که ایران را به بدبختی کشانده اند نجات دهی. شما از دست کسانی فرار کرده ای که همه آنها هم مانند شما مسلمان و مسلمان زاده هستند. تعصب داشتن به دینی که به ایران حمله کرده و با خونریزی و زور به قلب شما وارد شده است به هیچ شکلی کار خردمندانه و انسانی نیست. من و شما اگر به گمراهی رفتیم، نباید این راه را جلوی پای فرزندان بیگناه و ناآگاه خود بگذاریم. در هر دینی تعصب باعث جدایی انسانها و جنگ و جدال می شود.

زورگویی مردان خاورمیانه ای به زنها خیلی کم بود

اسلام هم به پشتیبانی آنها آمد!

دین و مذهب حماقتی موروثی و جغرافیایی هستند.

؟

هفته نامه طبرستان - ایران

دکتر حمید کمیلی

## نوشته‌ایکه در ایران منتشر شد

مقاله‌ای بنام «چقدر بُز در مملکت زیاد شده است» در هفته نامه طبرستان چاپ شده بود که به توقیف این نشریه منجر شد. بخشی از نوشته چنین است: چقدر بُز در مملکت زیاد شده است، همه بدبختی ما از این بزها و بزغاله هاست! بزها دارای پنجه‌های تیزی هستند که روی دو پای عقب خود می‌ایستند و باعث نابودی درختان و سرشاخه‌های آن می‌شوند، آنها با پنجه‌های تیز خود پای ریشه درختان را شخم می‌زنند و خاک را تخریب می‌کنند و گیاهان را از بیخ و بن می‌خورند. از علائم مشخص بزها آن است که ریش بلندی دارند. بز حیوان ناسازگار و نجسبی است و همواره در پی زیر پا گذاشتن حقوق گوسفندان است. او حتا اجازه بی‌ع کردن به گوسفندان نمی‌دهد. بزها معمولاً بزغاله هم دارند و این بززاده‌ها که معمولاً در سایه پدران خود حرکت می‌کنند، چمن‌ها و علف‌های مرغوب صحرا را غارت می‌نمایند. بخش اعظم بدبختی ما ناشی از بزیاری می‌باشد، که خدا لعنت کند کسی را که پای بز را به این مملکت باز کرد. روایت است که «بُز» یک حیوان بومی ایرانی نبوده و در هنگام حمله مغول به عمد از «جَبَل لبنان!» بیخشید از «مغولستان» برای از بین بُردن مراتع و مزارع به ایران آورده شده بود.

## مارمولک‌ها

مهمترین علت موفقیت آخوندها قدرت کلام آنهاست، آهنگ و زنگ صدا آنقدر رسا و روشن و قوی است که هیچکس نمی‌تواند به محتوای گفته هایشان بیندیشد. در سخنرانیهای بسیاری از آنها تسلسل کلام عجیبی وجود دارد که همواره با آهنگ یک ریتم و سرعت همراه می‌شود و چون همان ریتم با سرعت ثابت تکرار می‌شود به تدریج شنونده به حالت خلسه و خودفراموشی کشیده می‌شود و دیگر محتوای بیان برایش مرتبه و معنایی ندارد و ناخودآگاه سخنان سخنران هرچه که باشد بدون پندار و اندیشه مورد قبول شنونده‌ی مسخ شده قرار می‌گیرد. افرادی که چنین نیستند و گیج و ویج محو سخنان تکراری آخوند نمی‌شوند و پرسش‌هایی در ذهن پیدا می‌کنند هیچگاه در چنین گردهمایی و روضه خوانی‌ها شرکت نمی‌کنند و از این رهگذر راه برای این قشر روضه خوان در تحت تأثیر قرار دادن و مغزشویی اکثریت جامعه باز می‌شود.

آخوندها درس خود را خوب یاد گرفته‌اند، برایشان فرقی نمی‌کند پای منبر و پای سخن آنها چند ده نفر یا چند هزار نفر نشسته باشند آنها مانند نوار ضبط صوت سخنان پیشین خود را تکرار و تکرار می‌کنند و مردم خرد باخته نیز هر بار گویی سخن جدیدی را می‌شنوند بر دهان آخوند چشم می‌دوزند و گوش می‌دهند.

چه بیماری مرموزی درون ما است که ما را از همدیگر دور و به آخوندها نزدیک می‌کند تا حدی که هرچه او بگوید باور می‌کنیم و شکی هم در ما پیدا نمی‌شود؟

اگر درد خود را احساس کردی زنده‌ای، اما اگر درد دیگران را احساس کردی انسانی ؟

## اُمّتی که به زور ملت نمی‌شود

نیم بیشتر مردم ایران «شیعیان» علی و نیم دیگر آن «سنی‌ها» عُمرابن خطاب را دوست دارند و برایشان این دوتن مقدس‌اند. با توجه به این روحیه که ایرانی‌ها عاشق دشمنان خویش می‌شوند، بدون تردید ۱۴۰۰ سال دیگر، صدام حسین برای تمام مردم ایران مقدس خواهد شد. چون او همان کاری را با ایرانیان کرد که عُمر و علی انجام دادند، یعنی دستور حمله به ایران و کُشتن ایرانیان! آری امت را به زور نمی‌توان ملت کرد. ما ایرانی‌ها دشمن پرست و دوست‌کُش شده‌ایم.

## بی‌سر و صدا

دکتر لطف‌اله روزبهبانی یکی از کوششگران خستگی‌ناپذیر مبارزه با خرافات دینی خیلی بی‌سر و صدا، سر و صدای آخوندها را درآورده است. او با انتشار مطالب اینترنتی پیام آزادگان، ریشنامه، جاهلیه و بنیادگذاری بنیاد علمی - فرهنگی دکتر انصاری یک تنه کار یک سازمان چند ده نفره را انجام می‌دهد و در درون ایران نوشته‌هایش خوانندگان بسیاری دارد. ضمن سپاس از تلاش‌های او، به او خسته نباشید می‌گوییم.

## پرویز مینویی

## خدا کجاست

## نوشته‌های آرش جاویدان - دانشمند جوان

\* دیر زمانی است که فلسفه از علم عقب مانده و عصر فلسفه به پایان رسیده است. فلسفه نتوانسته خود را با علم مُدرن بویژه با فیزیک همگام کند. فیزیک کوانتوم و نظریه کوانتوم بطور قابل ملاحظه‌ای قادر به پیش‌بینی و مشخص کردن موقعیت دقیق بسیاری از مجهولات است، مانند ماهیت هستی و بود و نبود خدا.

\* تاریخچه‌ی خلق خدا - نادانی و عدم درک قوانین طبیعت مردم باستان را به سوی ابداع خدایانی سوق داد، خدایان و الهه‌های عشق و جنگ و خورشید و باران و غیره تا این که در حدود سالهای ۵۴۶ تا ۶۳۴ پیش از میلاد یکی از فرزندان یونان به نام «تالس» ایده‌ای را ارائه داد که «طبیعت از اصول و قوانینی پیروی می‌کند که قابل رمزگشایی است! و تالس با نخستین پیش‌بینی خورشید گرفتگی مشهور شد. در همین راستا شخصی بنام «فیثاغورث» چند فرمول ریاضی را کشف و ابداع کرد، به‌دنبال آنها «ارشمیدس» سه قانون فیزیک را پیدا نمود، قوانین آهرم، شناوری و بازتاب نور. ارسطو، اقلیدس، آناکسیماندر از دیگر دانشمندان یونانی بودند که ظهور کردند، «دموکریتوس» نخستین ارائه دهنده‌ی نظریه اتمی بودن جهان بود.

«اپیکور» مکتبی را پایه‌ریزی کرد بنام طرفداران زیبایی و لذت، او را نخستین فیلسوف مادی شمرده‌اند که کتابهای متعدد او را روحانیون نابود کردند. به باور «اپیکور» بالاترین لذت نداشتن درد است و آنچه درد را از بین می‌برد خردمندی است و خردمندی هم در این است که ما خود را از شر خرافات مذهبی، ترس از مرگ، پُرخوری و شهوت برهانیم و از رقابت، حسادت و شهرت طلبی بپرهیزیم.

\* اگر سکولاریسم در جهان نبود و رشد نمی‌کرد خدا باوران یکدیگر را می‌خوردند و به‌زن و بچه یکدیگر تجاوز می‌کردند و همه اینها را خواستِ پروردگار خود می‌دانستند و مدنیتی که در بخش بزرگی از جهان بوجود آمده حاصل مشیت محکم منطق سکولاریسم است برفرق سر حماقت‌ها و خرافات و اخلاقیات دینی.

\* شما یا خدایی دارید که تجاوزگران را می‌فرستد تا به کودکان تجاوز کنند و یا خدایی دارید که به‌راحتی تجاوز به کودکان را تماشا می‌کند و می‌گوید، به کارتان برسید، وقتی تمام شد من شما را مجازات می‌کنم. اگر من بتوانم جلوی تجاوز به یک کودک را بگیرم، حتماً این کار را خواهم کرد، این تفاوت من با خدای شماست.

\* چگونه یک نفر می‌تواند با تنبلی در بهشت نشسته باشد و بداند که در آن پایین در جهنم انسان‌ها در حال شکنجه و سوزانده شدن هستند و او از بودن در بهشت لذت ببرد؟

یک بانوی سالخورده را در نظر خود مجسم کنید که نماز خود را به پایان برده و مشغول دعا کردن است، با حالتی ملتسمانه دستهای خود را رو به آسمان گرفته و از خدایی که به‌باور او وجود دارد تقاضا می‌کند تا پسر جوانش را که بیمار شده است شفا بدهد. این زن خدا را در کجا تصور می‌کند؟ دست‌ها و چشم‌هایش نشان می‌دهد که او خدا را در آسمان جستجو می‌کند! نگاه زن به‌سقف اتاق نیست، خیلی بالاتر از آن است، چقدر بالاتر؟ یک کیلومتر؟ دو کیلومتر؟ ده کیلومتر؟ اگر از او پرسید خدا در چه فاصله قرار دارد، نمی‌تواند پاسخ درستی بدهد، تصور کنیم خدا در بالاترین نقطه جو کره زمین یعنی حدود صد کیلومتری کره زمین قرار دارد. قطر کره زمین حدود ۱۳ هزار کیلومتر است، لذا می‌توانیم کره زمین را به‌هندوانه بزرگ و گردی تشبیه کنیم. که در درون آن بانوی نماز خوان جایی مثلاً در یکی از خانه‌های نارمک تهران نشسته است. و در تصور خود در مسیر نگاه او به آسمان یک سوزن ته‌گرد را در پوست بیرونی هندوانه فرو می‌کنیم. آن نقطه می‌شود محل خدایی که آن بانو در اندیشه خود دارد. حال اگر در خانه‌های دیگر نارمک، جوادیه، شهرک غرب، شهرستانهای قزوین و مشهد و زاهدان و یا کشورهای دیگر مانند آمریکا و استرالیا و آفریقا، و در جابجای این کره‌ی خاکی افراد دیگری در حال دعا خواندن باشند و دست‌ها و نگاه خود را به سوی آسمان گرفته باشند، برای هر یک از آنان سوزنی را در سطح هندوانه فرضی فرو کنیم که تعداد این دعاکنندگان به‌میلیاردها نفر برسد، سطح هندوانه پُر می‌شود از ته سوزنهای ته‌گرد بطوری که جز ته سوزنهای چیزی در روی پوست هندوانه دیده نمی‌شود. از این آزمایش چنین نتیجه می‌گیریم که هر انسانی خدای منحصر به‌فرد خودش را در آسمان دارد و به تعداد خداپرستان در آسمان خدا وجود دارد و جای خدای هرکسی هم با جای خدای دیگری متفاوت است، حال اگر این ته سوزن‌ها چنان بهم چسبیده باشند که خود تشکیل یک پرده‌گروی شکل را بدهند و مانند بادکنکی کره زمین (هندوانه) را در خود گرفته باشند باید گفت، خدا غشای بیرونی کره زمین است که کره زمین درون آن قرار گرفته است.

Parvizminoee@msn.com

به کسانی که وعده‌های آسمانی می‌دهند گوش ندهید،  
آنها حیات را مسموم می‌کنند. نیچه



م.ع. مهر آسا

## مثنوی هفتاد من کاغذ سراسر خرافات

نخجیران است که گشتن شیر را قبول ندارند و می‌خواهند او را طعنه زنند،  
گفت ای یاران حقم الهام داد  
مر ضعیفی را قوی رأیی فتاد  
آنچه حق آموخت مر زنبور را  
آن نباشد شیر را و گورا  
خانه‌ها سازد پُر از حلوی تر  
حق براو آن علم را بگشاد در  
آنچه حق آموخت کرم پيله را  
هیچ پیلی داند آن گون حيله را؟  
آدم خاکی ز حق آموخت علم  
تا به هفتم آسمان افروخت علم  
این ابیات منظوم و سست در چنین دور و زمانی جفنگ تلقی نمی‌شود؟ خدا به خرگوش همانند پیامبران دروغین الهام فرستاده است. آیا علم را به آدمی خدا می‌آموزد یا اندیشه و تلاش و تحقیق خودش؟

### حواس خدا را پرت نکنید!

آقا و خانم مؤمن نماز خوان که افتخار می‌کنید نمازتان هرگز ترک نشده است، در همان ده دقیقه که شما نماز ظهر یا شب خود را می‌خوانید و خدا به شما گوش می‌دهد، و فرشته‌ها در حال ضبط درخواست‌ها و دعاها می‌باشند، در همان مدت کوتاه طبق آمارهای رسمی جهانی ۱۱۴ کودک بر اثر گرسنگی تلف می‌شوند، ۲۳ کودک برای بردگی فروخته می‌شوند، ۱۵ انسان از ناراحتی‌های زندگی خودکشی می‌کنند، ۱۳ انسان در زندانها مورد تجاوز قرار می‌گیرند، ۱۰ انسان به قتل می‌رسند، ۱۳ انسان در جنگ کشته می‌شوند....

و خدای شما مات و مبهوت نماز شماست که آن را غلط نخوانید، و به غفلت در اثر خروج بادی از شما نمازتان باطل نشود و گوش بدهد که شما چه می‌گویید و درخواست‌ها یاتان چیست. آقا و خانم مؤمن نماز خوان، لطفاً بانماز و درخواست‌های تکراری خود حواس خود را از مسایل اصلی جهان پرت و به خود مشغول نکنید، بگذارید خداوند عالم به کارهای مهم ترش که حفظ جان مخلوق خویش است برسد و روزی ۱۷ بار نگران باطل شدن وضوی شما نباشد. خدای شما عجب موجود بی‌خیال و بی‌کاری باید باشد که روزی چند بار می‌نشیند و حرفهای شما و بقیه را گوش می‌دهد.

در همین دفتر نخست پس از آن دروغها که سرهم کرده بود و در شماره پیش به آن اشاره کردم، داستان خرگوشی را می‌آورد که سر شیر جنگل کلاه می‌گذارد که کل داستان جدا از دروغ بودن آن نوعی اندیشه مهمل است. در جنگل حیوانات زیادی همراه شیری زندگی می‌کنند و شیر هر روز با حمله یکی از این حیوانات را می‌گیرد و می‌خورد. بقیه هر روز باید در هراس و تنگنا به هرسو بدوند و خود را نجات دهند. پس جمع می‌شوند و تصمیم می‌گیرند که هر روز قرعه بیندازند و قرعه به هر حیوانی اصابت کرد او برای تغذیه پیش شیر برود و خورده شود. وقتی قرعه به خرگوش می‌خورد، تصمیم می‌گیرد سر شیر کلاه بگذارد و او را نابود کند. پس کمی در رفتن تأمل و تأخیر می‌کند تا شیر گرسنه و عصبانی شود.

اما مسخره اینجاست وقتی خرگوش به شیر می‌رسد، شیر به جای این که همچنان که طبع تمام گوشتخواران گرسنه است، به او حمله کند و او را بخورد؛ شیر و خرگوش شروع به سخنرانی می‌کنند. شیر پرسان که چرا دیرآمدی و خرگوش مدتی سخن می‌گوید که من حامل خرگوشی دیگر بودم و توی راه شیری دیگر به من رسید و او را از چنگال من درآورد. درست مثل این که ارباب و نوکرش با هم درد دل می‌کنند. سرانجام شیر را بر سر چاه آبی می‌برد و خود جلو شیر می‌ایستد و تصویر شیر و خودش را به شیر نشان می‌دهد و می‌گوید این همان شیر است. شیر هم در چاه می‌جهد و در آب غرق می‌شود و به زعم آخوند مولانا، حیوانات جنگل از دست یک خونخوار خلاص می‌شوند. چقدر این داستان خنک و بی‌ارزش است در توصیف ننگجد.

زیرا:  
۱- به یقین شیر همان لحظه‌ی دیدن خرگوش باید او را لقمه چیش می‌کرد.

۲- شیر بسیار از خرگوش از لحاظ شعور برتر است و گول چنین لاطائلات یک خرگوش را نمی‌خورد.

۳- شیر و خرگوش با چه زبانی با هم حرف می‌زدند؟ دو حیوان بسیار متفاوت از هم و در عین حال دشمن.

خوب این داستانهای بی‌مزه و خنک که سراسر مثنوی را انباشته است، چه نتیجه علمی و فلسفی دارد؟ وقتی که کارهای انجام شده همه محیرالعقول و ناممکن و غیرقابل قبول است، خواننده چه بهره‌ای از این گونه دروغهای مسلم خواهد گرفت؟ این داستانها عیناً مانند حکایاتی است که مادر بزرگان ما در بچگی زیر کرسی برای ما سرهم می‌کردند و ما نیز باور داشتیم.

از همه مضحک‌تر در این داستان بی‌مایه جواب خرگوش به

## نامه های خوانندگان

\* علیرضا هستم از ژاپن، چند روز پیش مادر همسرم که ژاپنی است فوت کرد، برای تشییع جنازه قرار است یک آخوند بودایی بیاورند، آخوند برای انجام مراسم پانصد هزار «ین» که می شود حدود ۴ هزار دلار پول می گیرد، آتش گرفتم که برای یکی دو ساعت برنامه و حرف مفت زدن این همه پول می گیرند. زن ژاپنی گرفتم تا از دست اسلام نجات پیدا کنم، حالا گرفتار بودایی ها شده ام.

\* حقیقتش را بخواهید ما دیگه خودمون نیستیم، یک کپی دست چندم از دیگرانیم، ما یک حباب بزرگ پُر شده از هیچ هستیم، نه مسلمانیم نه کافر، نه ایرانی هستیم نه عرب، نه با غربی ها دوستیم نه دشمن، ما هم مثل امام عزیزمان همه مقوایی شده ایم. کورش جباری

\* حدیثی خواندم که می گفت اغلب اهل بهشت از احمق ها هستند، فکر می کنم این تنها حدیث درستی باشد که نوشته اند، من که آن را باور دارم.

\* خمینی و خامنه ای از همان روز نخست مترسک آمریکایی ها و اروپایی ها بودند. امروز هم خامنه ای تمام هوش و حواسش به رای نمایندگان مجالس آمریکا است که به توافق رای بدهند یا نه، مردک دل تودلش نیست و الکی هارت و پورت می کند. ژاندارک ترسو

\* آیا می دانید رهبران رژیم اسلامی از پیامبران چه چیزهایی به ارث برده اند؟ از محمد بیسواد - از موسا جادوگری - از عیسا بی پدری - از آدم نافرمانی - از نوح جمع آوری حیوانات دور خود - از سلیمان مشورت با یک عده حیوان و از یوسف زیبایی صورت!!

\* در سال ۵۷ روشنفکران بجای من حرف زدند، اما هیچکس بهتر از روشنفکران به زندگی من گند نزد. کارگری از جنوب تهران \* شنیده اید که پسر رفسنجانی مهدی رفت زندان و پسر خامنه ای هم که مشغول چپاول کشور است. در جایی شعری دیدم از هادی خرسندی که دو بیتش چنین بود:

مهدی به حبس رفت ولی مجتبا نرفت  
آن رفت از برای چه و این چرا نرفت  
فرزند دیو رفت به زندان و من هنوز  
در حیرتم چرا پسر اژدها نرفت

رهگذار

\* بزرگترین اگنوستیک ایرانی حافظ بزرگوار در قرن هفتم نزدیک به هشتصد سال پیش آخوندها را شناخت اما مردم ما امروز بخوبی حافظ آنها را نشناخته اند. به طوری که فرموده.

ما را به رندی افسانه کردند، شیخان جاهل پیران گمراه

مبارز جوققانی

\* ورد زبان مذهبی ها و حکومتی هاست که خرمشهر را خدا آزاد کرد! اگر خرمشهر را خدا آزاد کرد بگذارید فلسطین را هم خدا آزاد کند! مردم جالبی هستیم از اختراع ادیسون استفاده می کنیم صلواتش را برای محمد می فرستیم! در سرزمین کورش زندگی می کنیم خاک عربها برایمان مقدس است! رستم \* من ۷۰ سال دارم، از ۱۶ سالگی به این نتیجه رسیدم که کتابهای آسمانی بی ارزش هستند، اما با طرز فکر شما نسبت به عرفان و مولوی و جفاکاران مخالف هستم حمید - م

ناظم الاسلام کرمانی

از تاریخ بیداری ایرانیان

## زرتشتی ها زیر بار نرفتند

در انقلاب مشروطیت پس از شروع انتخابات شنیده شد که طایفه یهود و ارامنه و زرتشتی ها اصرار دارند که از جانب خود وکیلی به مجلس بفرستند. چون این مطلب باعث ایراد علمای نجف و اصفهان قرار گرفت، «انجمن مخفی» یکی از انجمن های مشروطه خواه رای داد که حضرات را دیده آنها را از فرستادن وکیل به مجلس منصرف کنیم، پس با زحمات بسیار طایفه ارامنه با نهایت نجابت و معقولیت حقشان را دادند به آقای طباطبایی و طایفه یهود هم حقشان را واگذار کردند به آقای بهبهانی دو آیت اله صدر مشروطیت، اما زرتشتی ها زیر بار نرفتند و درخواست مشروطه خواهان را نپذیرفتند و ارباب جمشید را به عنوان وکیل خود معرفی نمودند. اعضای انجمن مخفی با ارباب جمشید ملاقات می کنند تا او را از نمایندگی مجلس منصرف کنند و به او می گویند «مناسب این است که شما هم مانند طایفه یهود ارامنه و یهود یا حق خود را ساقط و یا به کسی دیگر از مسلمانان منتقل نمایید یا آن که وکیل خود را یک مسلمان انتخاب کنید تا در هنگام هرج و مرج و اختلاف ها نوع شما و ملت شما دچار صدمه و زحمت نشوند» ارباب جمشید نصایح آنها را نمی پذیرد و زیر بار زور نمی رود و از اقلیت های مذهبی فقط او به مجلس راه می یابد.

خورجین شخصی را دزدیدند، به او گفتند یک سوره قرآن بخوان که مال ات پیدا شود! مال باخته گفت، یک سوره چکار تواند کرد کل قرآن درون خورجینم بود! عبید زاکانی

## مردم ساده دل ما

\* باران بی حساب و کتاب که در کنترل هیچ خدا و بنده‌ای نیست ماه گذشته به ناگهان بخشی از شمال کشور ما را بزیر سیل بُرد و خانه‌های فقیرانه روستاییان را به همراه شالیزارهای به‌سختی درست شده آنان به زیر خروارها تَن گِل و لای پنهان کرد. زن روستایی شالیکار و ساده‌دلی از روستای «شیرکلا» که همه چیز خود را از دست داده است به خبرنگار تلویزیون دولتی می‌گوید، این زمین را که آب بُرده و کلبه و شالیزار من در آن قرار داشت متعلق به سیدالشهد است که وقف امام بود، ما اهالی این روستا محصول این قطعه را در ماه محرم و رمضان به‌صورت نذری بین اهالی روستا که بیشتر فقیر هستند بخش می‌کردیم، و بدبختانه امسال باران همه آن را از بین برد!

\* روز عاشورا است مردم با صدای طبل و دُهل در اهواز مشغول عزاداری‌اند، غفار جوان در بیمارستان آماده می‌شود به‌اتاق عمل برای پیوند کلیه برود، می‌آید کنار پنجره به‌مردم که عزاداری می‌کنند نگاه می‌کند و به پرستار می‌گوید چقدر دلم می‌خواست میان آنها بودم، پرستار به او می‌گوید، امام حسین حتماً شفایت خواهد داد.

در اتاق انتظار دختر کلیه دهنده که از میان ۷۵ کاندیدای فروش کلیه انتخاب شده کلیه‌اش را در ازای داشتن یک اتاق داده است که پدر و مادرش را در آنجا اسکان دهد. اوضاع مالی هردو خانواده غفار و دختر کلیه دهنده به‌شدت خراب است و هر دو خانواده در اتاق انتظار دست به‌دامن سیدالشهدا شده‌اند که عزادارش هستند. عمل چهار ساعت طول می‌کشد، که دختر پس از سه روز و غفار پس از سه هفته از بیمارستان مرخص می‌شوند. یکماه پس از عمل بدن غفار کلیه را پس زده بیمار جان می‌بازد، حال دختر هم خوب نیست در کلیه باقیمانده او درد شدیدی پیدا شده است، دختر ساده دل به‌خبرنگاری که از او راجع به ناراحتی‌اش پرسیده می‌گوید فکر می‌کنم خدا اهدای کلیه من را قبول نکرد حتماً از دست من ناراضی است.

پدر غفار هم که به خاطر از دست دادن پسرش ناراحت است به پدر و مادر دختر یک هفته فرصت داده تا اتاق شان را ترک کنند و پس بدهند. پدر و مادر دختر می‌گویند دخترمان یک کلیه‌اش را داد، کلیه دومش در حال از دست رفتن و مرگ دخترمان نزدیک است، در ازاء همه این‌ها یک اتاق به‌ما داده بودند که باید آنرا هم تخلیه کنیم، خبرنگار به آنها می‌گوید خدا بزرگ است!

## نان به نرخ روز

یکی از روزنامه‌های لس آنجلس که جزو یاران بنیاد ایمان مرکز اسلامی کالیفرنیا می‌باشد چند روز پیش در یک تغییر ناگهانی بر خلاف عادت مالوف به طرز بسیار توند با اسلام و پیامبر اسلام برخورد کرده و نوشت «محمد تازی یک راهزن متقلب دروغگو و پدوفیل جنایتکار بود، اسلام تازیان تبهکار همین گندی است که در ایران است.... دین و مذهبی که انتخابی نباشد حاصلی جز فساد و ویرانی و تباهی به‌دنبال نخواهد داشت.... بی دینی و بی‌خدایی راه نجات بشر از اوهام و خرافه پرستی است!!!» روزنامه‌ای که در ۲۰ و ۳۰ سال گذشته نازک‌تر از گُل به‌اسلام نگفته بود ناگهان به این شکل به جنگ مسلمانان و بنیاد ایمان می‌رود. دلیل اصلی نوشتن این نامه خبر نادرستی بود که در ادامه همین مقاله در آن روزنامه آمده است. می‌نویسد «السیسی رئیس جمهور مصر در سخنرانی تلویزیونی اول ژانویه ۲۰۱۵ و به مردم مصر گفت، اسلام ۱۴۰۰ سال است فقط سیاهی و خشونت برای ما به‌ارمغان آورده است، و زمان آن رسیده ما مصریان این آیین و روش را کنار بگذاریم»

از این آقای سردبیر می‌پرسیم این خبر نادرست را که یک‌کاش درست بود از کجا آورده و نقل کرده است و به‌ایشان می‌گوییم با اینگونه ناسزاگویی و یا خبر دروغ دادن، شما بیشتر به‌سود اسلام عمل می‌کنید تا مبارزه با آن. «نشریه مذکور به‌پیوست می‌باشد»

## خبر جالبی دیگر از جهان اسلام

به گزارش پارسینه به نقل از «اسپوتنیک» رئیس جمهور آنگولا آقای «ژوزه ادواردو سانتوش» در اقدامی عجیب اسلام را در کشور آنگولا ممنوع اعلام کرد و دستور بستن تمامی مساجد را در کشور داد. رئیس جمهور اظهار داشت ممنوعیت دین اسلام به نفوذ این دین در کشور ما پایان می‌دهد. وزیر فرهنگ آنگولا «رزا کروز سیلوا» با اشاره به این اقدام گفت این کار براساس مبارزه با فرقه‌های مذهبی صورت گرفته است و به‌همین سبب دین اسلام غیر قانونی اعلام می‌شود. طبق اطلاعات وزارت خارجه آمریکا در آنگولا حدود ۹۰ هزار مسلمان زندگی می‌کنند که اکثر آنها از مهاجران آفریقای غربی و لبنان هستند.

از دست اسلام نه‌انسان آرامش دارد نه حیوان  
دانیل اتکل

برای برخی از مشترکین گرامی نامه‌ای نوشتیم که یادآوری باشد برای همیاری آنها - امیدواریم هرچه زودتر اقدام فرمایید تا گوشه‌ای از بدهی‌های ما به چاپخانه پرداخت گردد و در فرستادن بیداری برای عزیزان وقفه‌ای رُخ ندهد. با سپاس از توجه دوستان.

## Thinking points for Iranian youth

Is God willing to prevent evil, but not able?

Then he is not omnipotent.

Is he able, but not willing?

Then he is malevolent.

Is he both able and willing?

Then whence cometh evil?

Is he neither able nor willing?

Then why call him God?

Epicurus-Greek philosopher

BC 270-341

برای ادامه انتشار بیداری، بیداری های کتاب شده را برای خود و یا هدیه دادن سفارش دهید هر جلد حاوی ۲۰ شماره بیداری است، بهای هر جلد ۳۵ دلار می باشد

با ما با راههای زیر تماس بگیرید: 858-320-0013

bidari@Hotmail.com www.bidari.org

## بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

## حقوق حیوانات

«دن یورگنس» وزیر کشاورزی و مواد غذایی دانمارک، دوشنبه ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۵ در مصاحبه‌ای با تلویزیون رسمی دانمارک گفت، بدلیل اینکه حقوق حیوانات بردین ارجحیت دارد، از این پس کشتارگاههای سراسر دانمارک از ذبح شرعی حیوانات ممنوع شده‌اند.

این قانون که باعث اعتراض گروههای مذهبی یهودی و اسلامی شده‌است در اوایل سال ۲۰۱۴ مطرح و سرانجام ماه گذشته ۷/۲۷/۱۵ به تصویب رسید و از همان روز در دانمارک به مرحله اجرا درآمد.

مسلمانان در دو مرحله به اروپا حمله کردند!! اولی برای ترویج و توسعه اسلام بود، و دومی اینکه، برای پناهندگی و فرار از همان اسلام است!!

در آینده به کودکانمان می‌گوییم، ما به مسلمانها پناه دادیم در حالی که به‌خانه خدایشان (مکه) نزدیکتر بودند.  
منتسب به رئیس جمهور آلمان

Prst Std  
U.S. Postage  
Paid  
San Diego, CA  
Permit No. 2129

BIDARI  
تبداری  
P.O. BOX 22777  
San Diego CA 92192  
U.S.A